

**Original Article**

**Developments in the Principle of the Right to Receive Medical Assistance in the Event of Disasters in the Light of International soft Law**

**Yaghoob Alizadeh<sup>1\*</sup>, Mohammad Masoudinia<sup>2</sup>, Sara Rostami<sup>3</sup>, Farid Beyranvand**

1. Assistant Professor, Jurisprudence and Basics of Islamic Law Department of Payam Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: Y\_alizadeh@pnu.ac.ir
2. Assistant Professor, Law Department of Payam Noor University, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Law Department of Payam Noor University, Tehran, Iran.
4. PhD of Public International Law, Law School, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 19 Jun 2016    Accepted: 26 Sep 2016

**Abstract**

There is a small number of binding international documents on the issue of the right to receive medical assistance in response to natural and man-made disasters. In recent years, however, soft law instruments have been developed in this area, including the draft articles on the protection of persons in the event of a disaster, adopted by the UNHCR, the UN Guidelines on Internal Displacement, and the Code of Conduct for the Red Cross. And mention the Red Crescent and the humanitarian charter and the minimum standards in response to disasters. Although these documents are not binding, they can play an important role in creating convergence and coordination among international actors to provide medical assistance. Simply put, these non-binding documents play a role in the process of shaping international customs. On the other hand, in drafting articles on the protection of persons in the event of a disaster, the International Law Commission has taken into account the importance of non-binding standards and norms to develop an internationally acceptable legal framework for the protection of victims of disasters. Given this importance, in the present study, in order to better understand the principles and standards related to humanitarian aid, we should examine the provisions of these documents.

**Keywords:** Medical Assistance; Medical Services; Soft Law; Non-Binding Standards

**Please cite this article as:** Alizadeh Y, Masoudinia M, Rostami S, Beyranvand F. Developments in the Principle of the Right to Receive Medical Assistance in the Event of Disasters in the Light of International Soft Law. *Med Hist J* 2016; 8(28): 85-103.

## تحولات اصل حق بر دریافت امدادهای پزشکی در هنگام وقوع بلایا در پرتو حقوق نرم بین‌المللی

یعقوب علیزاده<sup>۱\*</sup>، محمد مسعودی‌نیا<sup>۲</sup>، سارا رستمی<sup>۳</sup>، فرید بیرانوند<sup>۴</sup>

۱. استادیار و عضو هیأت‌علمی گروه فقه و حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: Y\_alizadeh@pnu.ac.ir

۲. استادیار و عضو هیأت‌علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۳. استادیار و عضو هیأت‌علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۴. دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۵/۳/۳۰ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۵

### چکیده

تعداد معدودی از اسناد الزام‌آور بین‌المللی به مسأله حق بر دریافت امدادهای پزشکی در واکنش به بلایای طبیعی و انسانی وجود دارد، اما در سال‌های اخیر اسناد حقوق نرم در این زمینه توسعه پیدا کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توانیم به پیش‌نویس مواد مربوط به حفاظت از افراد در هنگام وقوع بلایا مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل، اصول راهنمای ملل متحد در مورد جا به جایی داخلی، کد رفتاری صلیب سرخ و هلال احمر و منشور بشردوستانه و حداقل استانداردها در واکنش به بلایا اشاره کنیم. علی‌رغم این‌که این اسناد دارای ویژگی الزام‌آوری نیستند، اما می‌توانند در ایجاد همگرایی و هماهنگی میان بازیگران بین‌المللی جهت ارائه امدادهای پزشکی نقش مهمی را ایفا کنند. به بیان ساده‌تر، این اسناد غیر الزام‌آور در فرآیند شکل‌گیری عرف‌های بین‌المللی به نقش‌آفرینی می‌پردازند. از طرفی، کمیسیون حقوق بین‌الملل در پیش‌نویس مواد مربوط به حفاظت از افراد در هنگام وقوع بلایا این نکته مهم را مد نظر قرار داده است که استانداردها و هنجارهای غیر الزام‌آور برای توسعه چارچوب حقوقی قابل قبول بین‌المللی برای حفاظت از قربانیان بلایا ضروری است. با توجه به این اهمیت، در پژوهش حاضر برای درک بهتر اصول و استانداردهای مربوط به کمک‌های بشردوستانه باید به بررسی مفاد این اسناد پردازیم.

**واژگان کلیدی:** امدادهای پزشکی؛ خدمات پزشکی؛ حقوق نرم؛ استانداردهای غیر الزام‌آور

## مقدمه

کارکرد اصلی عالم حقوق «تنظیم روابط میان تابعان و بازیگران عالم حقوق» می‌باشد. به تعبیری هنجارهای حقوقی بازتابی از روابط میان تابعان حقوق را نشان می‌دهند. در واقع به هر میزان که روابط میان تابعان حقوق در سطح ساده‌تری قرار گیرند و متغیرهای کم‌تری در آن‌ها وجود داشته باشد، هنجارهای حقوقی تنظیم‌کننده آن‌ها نیز به مراتب ساده و کلی خواهد بود. در مقابل، هرچه روابط تابعان حقوق در سطح پیچیده‌تری قرار گیرند و متغیرهای بیشتری در آن وجود داشته باشد، هنجارهای حقوقی تنظیم‌کننده آن‌ها نیز به مراتب پیچیده‌تر و جزئی‌تر می‌شود. به بیان ساده‌تر عالم حقوق با گذشت زمان و حاکم شدن فضای پست‌مدرنیسم و منطبق فازی به سمت انکسار و اختصاصی شدن حرکت می‌کند (۱). در فضای روابط بین‌المللی، از یکسو در راستای «حکومت قانون» نیاز به ثبات و از سوی دیگر در راستای ضرورت‌های متغیر زمانی (که به واسطه سیاسی بودن یا به تعبیری منفعت محور بودن روابط) نیاز به انعطاف‌پذیری می‌باشد و تلاش جامعه بین‌المللی نیز در جهت برقراری تعادلی مطلوب میان این دو نیاز بوده است. یکی از مفاهیمی که در فضای روابط بین‌المللی در پاسخ به «نیاز به انعطاف‌پذیری» متولد شده است، مفهوم «حقوق نرم» می‌باشد (۲). مقصود از حقوق نرم، هنجارهای بین‌المللی می‌باشند، فاقد عنصر الزام‌آوری هستند. مقررات الزام‌آور مربوط به امدادهای پزشکی و حفاظت از اشخاص در پی بحران‌ها و بلایای طبیعی و انسانی در ادبیات حقوق بین‌الملل بسیار محدود هستند، اما در مقابل، در این زمینه قطع‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، حداقل استانداردها و به طور کلی اسناد حقوق نرم فراوانی وجود دارد. بلایای طبیعی و انسانی یکی از عوامل اصلی مرگ و میر، آسیب‌های جسمانی فراوان و نیز میلیاردها دلار خسارت برای دولت‌ها و جوامع انسانی هستند. موضوع کمک‌های بشردوستانه (از جمله حقوق مربوط به بهداشت، دارو، خدمات پزشکی، ایمنی، تغذیه، امدادسانی و دسترسی به نهادهای بشردوستانه) برای غیر نظامیان در زمان درگیری‌های مسلحانه مورد توجه مواد ۴۹ تا ۶۳ کنوانسیون چهارم ژنو مورخ ۱۹۴۹ در ارتباط با حفاظت از

اشخاص غیر نظامی در زمان جنگ، قرار گرفته است، اما در ارتباط با حق بر دریافت امدادهای پزشکی در زمان بحران‌ها و بلایای طبیعی و انسانی برای جمعیت غیر نظامی، هیچ کنوانسیون لازم‌الاجرای بین‌المللی وجود ندارد. مع‌الوصف چندین سند غیر الزام‌آور بین‌المللی بر وجود این حق در پرتو حقوق بشر و به عنوان یکی از مصادیق مهم حق بر کمک‌های بشردوستانه تصریح داشته‌اند (۳)، هم‌چنانکه سازمان سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، برخی از مصادیق مهم کمک‌های بشردوستانه را فراهم کردن بهداشت و نیز ارائه خدمات و امدادهای پزشکی می‌داند (۴). به همین دلیل در ادبیات حقوق بین‌الملل قواعد و مقررات مربوط به حق بر دریافت امدادهای پزشکی به عنوان یکی از مصادیق یک عنوان کلی‌تر یعنی حق بر دریافت کمک‌های بشردوستانه مورد بحث قرار گرفته است. برای مثال ماده ۵ پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل مربوط به حفاظت از افراد در هنگام وقوع بلایا که مقرر می‌دارد: «افراد تحت تأثیر بلایا حق احترام و حمایت از حقوق بشر خود را مطابق با حقوق بین‌الملل دارند.» هم‌چنین دستورالعمل رفتاری صلیب سرخ بین‌المللی و هلال احمر و سازمان‌های غیر دولتی ذیل اصل اول در مورد امدادسانی تصریح می‌کند که «حق بر دریافت کمک‌های بشردوستانه و ارائه آن، یک اصل بشردوستانه بنیادین است که باید همه شهروندان همه دولت‌ها از آن متمتع شوند.» هم‌چنین مواضع مشابهی توسط مؤسسه حقوق بین‌الملل سان ریمو در اصل اول اصول راهنما در مورد حق بر کمک‌های بشردوستانه مورخ ۱۹۹۳ و نیز کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد در اصل سوم از اصول راهنما در مورد جا به جایی داخلی مورخ ۱۹۹۸ اتخاذ گردیده است. نمایندگان صلیب سرخ نیز اهمیت حقوق بین‌الملل بشری، حقوق عرفی و تعداد روزافزون اسناد حقوق نرم، نظیر دستورالعمل رفتاری را در جهت تقویت این استدلال که، حقوق بین‌الملل حق بر دریافت کمک‌های بشردوستانه را به رسمیت می‌شناسد، مورد تأکید قرار داده‌اند (۵)، البته در حال حاضر حقوق بین‌الملل بشری در اسناد مختلفی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و... دولت‌ها را متعهد به حمایت از

برخی حقوق می‌کند که این حقوق چه در بلایای طبیعی و چه در بلایای انسانی باید رعایت شوند، از جمله حق بر زندگی، خدمات پزشکی و بهداشتی و استانداردهای مناسب زندگی. همچنین برخی از معاهدات چندجانبه از جمله کنوانسیون تامپره در مورد تأمین منابع ارتباطی برای کاهش بلایا و عملیات امدادرسانی، حق ارتباط مستقیم با عملیات امدادرسانی بشردوستانه را به رسمیت شناخته‌اند. در حال حاضر با توجه به وجود این اسناد، نیاز مبرم به ایجاد شفافیت بیشتر در ارتباط حق بر کمک‌های بشردوستانه احساس می‌شود. بنابراین در نوشتار حاضر به دنبال ترسیم نمای کلی از منابع غیر الزام‌آور بین‌المللی که نقش مهمی در روند مباحثات و شکل‌گیری رویه بین‌المللی در زمینه حق بر کمک‌های بشردوستانه در بحران‌های غیر مسلحانه، مانند بلایای طبیعی و انسانی ایفا می‌کنند، هستیم. در این نوشتار به تجزیه و تحلیل جزئی مفهوم «حقوق نرم» نخواهیم پرداخت، بلکه صرفاً نگاهی گذرا به برخی چالش‌های مطرح‌شده در ارتباط با حقوق نرم می‌پردازیم، زیرا که این مسأله خود موضوع یک نوشتار مستقل باید باشد، در نتیجه در گام اول پیش از پرداختن به تحلیل متون مختلف مربوط به امدادهای پزشکی و کمک‌های بشردوستانه در بلایای طبیعی و انسانی و نهایتاً تحلیل این‌که اسناد مزبور چگونه می‌توانند توسعه یک چارچوب حقوقی بین‌المللی را برای حق بر دریافت کمک‌های بشردوستانه فراهم کنند، یک چارچوب مفهومی حداقلی از حقوق نرم ارائه می‌کنیم.

### چارچوب مفهومی حقوق نرم

ریشه اصلی مفهوم حقوق نرم به تفکرات لرد مک نایر بازمی‌گردد (۶)، هرچند که ایشان در واقع به بررسی دو مفهوم «قواعد جاری» و «قواعد مطلوب» پرداخته است. باید دقت داشت که لرد مک نایر عبارت حقوق نرم را در کتاب حقوق معاهداتش (۷) به کار نبرده است. در واقع وی تمایز میان حقوق نرم و حقوق سخت را در ردیف تمایز قواعد جاری و قواعد مطلوب به کار برده است (۸). برخی نویسندگان حقوق بین‌الملل اساساً منکر وجود مفهوم «حقوق نرم» در داخل

فضای حقوق بین‌الملل می‌باشند و معتقدند که این مفهوم متعلق به فضای اخلاق و روابط بین‌المللی (علوم سیاسی) می‌باشد، در فضای حقوق بین‌الملل مفهوم «نرمی در حقوق بین‌الملل» وجود دارد و نه مفهوم «حقوق نرم». به تعبیری در فضای حقوق بین‌الملل گاهی اوقات سند یا قالب بیان‌کننده قاعده، نرم است، اما گاهی اوقات محتوی قاعده نرم است (۹)، البته استدلال این دسته از نویسندگان نیز قابل توجه است. محور اصلی استدلال این دسته از حقوقدانان این است که اصولاً مقصود از حقوق نرم، قاعده‌ای است که سند آن دارای ویژگی نرمی باشد (مانند قطع‌نامه‌ها، اعلامیه‌ها، موافقت‌نامه‌های نزاکتی و...) در نتیجه پرواضح است که این سند را نمی‌توانیم «حقوق» بدانیم و صرف استناد به این سند، ماهیت آن را تغییر نمی‌دهد. در واقع در یک نگاه پوزیتیویستی عالم حقوق به صورت سیاه - سفید است، یعنی وضعیت‌ها در حالت قانونی یا غیر قانونی قرار دارند. این دسته از نویسندگان چنین استدلال می‌کنند که نظام حقوق بین‌الملل مبتنی بر یک سیستم هنجاری از قواعد حقوقی قابل شناسایی است که قواعد مزبور در یک دادگاه یا محکمه بین‌المللی قابل اجرا باشند (۱۰)، در نتیجه با این نگاه جایگاهی برای حقوق نرم در حقوق بین‌الملل وجود ندارد، البته در اینجا ذکر یک نکته لازم است و آن این‌که پوزیتیویست حقوقی به صورت کلی این مطلب را مورد پذیرش قرار می‌دهد که اسناد و متون غیر الزام‌آور دلیل مهمی در جهت اثبات وجود اجماع میان دولت‌ها در ارتباط با قواعد یا رویه‌های خاصی می‌باشد (۱۱).

یکی از مسائلی که باید در اینجا مورد توجه قرار دارد، تفکیک میان تعهدات حقوقی و تعهدات سیاسی می‌باشد. این دسته از نویسندگان معتقد هستند که هدف اصلی طرفداران مفهوم «حقوق نرم» در واقع واردکردن موضوعات غیر حقوقی (عمدتاً سیاسی) با پوشش قاعده حقوقی به قلمرو حقوق بین‌الملل می‌باشد که این کار آسیب‌های فراوانی نیز برای نظام حقوق بین‌الملل به ارمغان آورده است (۹). یکی از این آسیب‌ها، از بین رفتن «اعتماد» به الزامات حقوقی است که در نتیجه آن اعتبار حقوق بین‌الملل رفته‌رفته تضعیف و از بین می‌رود. ریشه این نگاه به یک مبحث مبنایی در حقوق بین‌الملل

بازمی‌گردد و آن این‌که اصولاً در فضای حقوق بین‌الملل اگر هیچ تعهدی در یک موضوع خاص وجود نداشته باشد، بهتر است از این تعهداتی وجود داشته باشند، اما دولت‌ها نسبت به تعهدات مزبور اعتنایی نداشته باشند. به تعبیری چنانچه تعهدی وجود داشته باشد، اما دولت‌ها اعتنایی به آن نداشته باشند، قبح نقض قاعده در حقوق بین‌الملل شکسته می‌شود و این مسأله به مراتب خطرناک‌تر از عدم وجود قاعده است (۱۴-۱۲). به بیان ساده‌تر مفهوم حقوق نرم از آنجا که ارزش حقوق در معنای واقعی کلمه را کاهش می‌دهد، زبان‌آور است (۱۵).

در مقابل طرفداران مفهوم حقوق نرم چنین استدلال می‌کنند که بنای اصلی تئوری حقوق نرم این است که حقوق یک پدیده صفر و صدی نیست (یا نباید باشد). به تعبیری فضای حقوق باید طیف‌های مختلفی از روابط را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد و در مرحله بعد به تنظیم آن‌ها بپردازد. با توجه به این دیدگاه، نگاه به عالم حقوق در قالب‌های دوگانه سنتی مانند قانونی و غیر قانونی، الزامی و غیر الزامی بی‌فایده است. در واقع باید حقوق را در شرایط و درجات مختلف و متنوعی از قانونی‌بودن یا الزام‌آوری دید. به بیان ساده‌تر هنجارها می‌توانند بیشتر یا کم‌تر الزام‌آور باشند (و نه حتماً الزام‌آور مطلق یا غیر الزام‌آور) و اعمال می‌توانند بیشتر یا کم‌تر قانونی باشند (و نه حتماً قانونی مطلق یا غیر قانونی) (۱۶). این دسته از حقوقدانان تعاریف مختلفی از حقوق نرم ارائه می‌دهند، اما در میان این تعاریف مختلف، تعریف ذیل به نظر کامل‌تر است: «قواعد رفتاری که در ابزارهایی که قدرت الزام‌آوری حقوقی ندارند بیان می‌شوند، اما با این وجود می‌توانند آثار حقوقی مشخص (غیر مستقیم) داشته و یا در نظر داشته باشند و می‌توانند آثار عملی ایجاد کنند» (۱۷).

مع‌الوصف به نظر می‌رسد دیدگاه طرفداران حقوق نرم در پرتو رویه بین‌المللی دولت‌ها و دیوان بین‌المللی دادگستری تقویت می‌شود. شاید بهترین نمونه‌ها در ارتباط با رویه دولت‌ها و حقوق نرم، گردهمایی‌های دولت‌ها در قالب کنفرانس‌های بین‌المللی باشد. در ارتباط با کنفرانس‌های سازمان‌یافته می‌توان به گردهمایی سالانه سران دولت‌های

صنعتی جهان موسوم به جی ۸ (یا در واقع جی ۷) اشاره کرد. برگزاری نشست‌های سالانه و صدور اعلامیه‌های مشترک، ظاهراً نشان از شکل‌گیری تعهدات میان دولت‌های شرکت‌کننده دارد، هرچند که همه دولت‌های مزبور معتقد باشند که این اعلامیه‌ها متضمن هیچ‌گونه تعهد حقوقی نیست. مثال دیگر در این زمینه اعلامیه‌های بسیار مهم سیاسی مانند اعلامیه یالتا مورخ ۱۱ فوریه ۱۹۴۵ در مورد اروپای پس از جنگ جهانی دوم می‌باشد. همچنین در برخی کنفرانس‌های بین‌المللی اسنادی مورد پذیرش قرار گرفته است که به وسیله آن نتیجه مذاکراتی را که می‌توانسته نوعی تعهد حقوقی باشد، در آن ثبت کنند. وضعیت این اسناد و واکنش بعدی دولت‌ها و جامعه بین‌المللی به آن‌ها جالب توجه است، مانند سند نهبی هلسینکی که بعد از نخستین مرحله کارهای کنفرانس مربوط به امنیت و همکاری در اروپا در ۱۹۷۵ منتشر شد و از آن زمان تا به حال نیز متعاقب آن، اعلامیه‌های دیگری مانند منشور ۱۹۹۰ پاریس به همین سبک و سیاق منتشر شده است. همچنین موافقت‌نامه‌های نزاکتی سران سیاسی دولت‌ها از جمله اسنادی است که ظاهراً نمی‌بایست دولت‌ها را متعهد سازد. تردیدی نیست که کمیسیون حقوق بین‌الملل این دسته از توافق‌نامه‌ها را (البته با عنوان یادداشت تفاهم) از دایره شمول عنوان معاهدات بین‌المللی جدا کرد (۱۸)، اما باید دقت داشت که کمیسیون در مقام تدوین مواد کنوانسیون حقوق معاهدات این اقدام را انجام داد، در نتیجه یک یادداشت تفاهم می‌تواند در اغلب موارد به عنوان یک موافقت‌نامه از جانب طرفین در نظر گرفته شود، حتی اگر طرفین قصدی برای الزام‌آور بودن آن از نظر حقوقی نداشته باشند (۱۹). در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز شاهد ارجاع و توسل به اسناد و مفاهیم حقوق نرم از جمله ملاحظات اولیه انسانی (۲۰) و قطع‌نامه‌ها و اعلامیه‌های مجمع عمومی ملل متحد (۲۱) و (۲۲) هستیم. با توجه به آثار حقوقدان مختلف در مورد حقوق نرم، هنجارها و اسناد حقوق نرم می‌تواند حداقل به سه گروه تقسیم شوند، البته در این مورد و نحوه تقسیم‌بندی میان نویسندگان اختلاف نظر نیز وجود دارد (۲۳).

صنعتی جهان موسوم به جی ۸ (یا در واقع جی ۷) اشاره کرد. برگزاری نشست‌های سالانه و صدور اعلامیه‌های مشترک، ظاهراً نشان از شکل‌گیری تعهدات میان دولت‌های شرکت‌کننده دارد، هرچند که همه دولت‌های مزبور معتقد باشند که این اعلامیه‌ها متضمن هیچ‌گونه تعهد حقوقی نیست. مثال دیگر در این زمینه اعلامیه‌های بسیار مهم سیاسی مانند اعلامیه یالتا مورخ ۱۱ فوریه ۱۹۴۵ در مورد اروپای پس از جنگ جهانی دوم می‌باشد. همچنین در برخی کنفرانس‌های بین‌المللی اسنادی مورد پذیرش قرار گرفته است که به وسیله آن نتیجه مذاکراتی را که می‌توانسته نوعی تعهد حقوقی باشد، در آن ثبت کنند. وضعیت این اسناد و واکنش بعدی دولت‌ها و جامعه بین‌المللی به آن‌ها جالب توجه است، مانند سند نهبی هلسینکی که بعد از نخستین مرحله کارهای کنفرانس مربوط به امنیت و همکاری در اروپا در ۱۹۷۵ منتشر شد و از آن زمان تا به حال نیز متعاقب آن، اعلامیه‌های دیگری مانند منشور ۱۹۹۰ پاریس به همین سبک و سیاق منتشر شده است. همچنین موافقت‌نامه‌های نزاکتی سران سیاسی دولت‌ها از جمله اسنادی است که ظاهراً نمی‌بایست دولت‌ها را متعهد سازد. تردیدی نیست که کمیسیون حقوق بین‌الملل این دسته از توافق‌نامه‌ها را (البته با عنوان یادداشت تفاهم) از دایره شمول عنوان معاهدات بین‌المللی جدا کرد (۱۸)، اما باید دقت داشت که کمیسیون در مقام تدوین مواد کنوانسیون حقوق معاهدات این اقدام را انجام داد، در نتیجه یک یادداشت تفاهم می‌تواند در اغلب موارد به عنوان یک موافقت‌نامه از جانب طرفین در نظر گرفته شود، حتی اگر طرفین قصدی برای الزام‌آور بودن آن از نظر حقوقی نداشته باشند (۱۹). در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز شاهد ارجاع و توسل به اسناد و مفاهیم حقوق نرم از جمله ملاحظات اولیه انسانی (۲۰) و قطع‌نامه‌ها و اعلامیه‌های مجمع عمومی ملل متحد (۲۱) و (۲۲) هستیم. با توجه به آثار حقوقدان مختلف در مورد حقوق نرم، هنجارها و اسناد حقوق نرم می‌تواند حداقل به سه گروه تقسیم شوند، البته در این مورد و نحوه تقسیم‌بندی میان نویسندگان اختلاف نظر نیز وجود دارد (۲۳).

۱- گروه اول، تصمیمات غیر الزام‌آور سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی را شامل می‌شود. برای مثال تصمیمات غیر الزام‌آور مربوط به روابط برون‌سازمانی، دستورالعمل‌ها، برنامه‌ها، اعلامیه‌ها، بخش‌نامه‌ها، نظرات، طرح‌های اجرایی، برنامه اقدام و توصیه‌نامه‌ها که در میان این موارد، قطع‌نامه‌های مجمع عمومی ملل متحد بیشتر از سایر موارد خودنمایی می‌کنند (۲۴)؛ ۲- گروه دوم، موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه غیر الزام‌آور میان دولت‌ها می‌باشد که تحت عناوینی مانند اعلامیه‌های رسمی، اعلامیه‌های مشترک، تفاهم‌نامه‌های سیاسی، فنی و... توصیه‌نامه‌های مصوب کنفرانس‌های بین‌المللی و... در ادبیات حقوق و روابط بین‌الملل از آن‌ها یاد می‌شود (۲۶-۲۵)، البته این دسته از توافق‌نامه‌ها گاهی میان اعضای یک سازمان بین‌المللی و در ارتباط با مسائل داخلی مربوط با سازمان مزبور منعقد و به مرور تبدیل به رویه دائمی سازمان می‌شوند (۲۵)، مانند موافقت‌نامه مربوط به توزیع جغرافیایی اعضای غیر دائم شورای امنیت مورخ ۱۹۴۶ (که یک موافقت‌نامه نزاکتی محسوب می‌شود و از نظر حقوقی نمی‌توان گفت که منشور ملل متحد را اصلاح کرده است) و یا موافقت‌نامه لوگزامبورگ مورخ ۱۹۶۶ در ارتباط با قواعد رأی‌گیری در جامعه اروپا؛ ۳- گروه سوم، شامل توصیه‌هایی است که توسط سازمان‌های غیر دولتی به تصویب رسیده‌اند که می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر رویه بین‌المللی (مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ) داشته باشد (۲۷)، البته برخی نویسندگان این دسته از قواعد را جزئی از حقوق نرم نمی‌دانند (۲۸).

### حقوق نرم و چالش سلسله مراتب هنجاری قواعد حقوق

#### بین‌الملل

نگاه کلاسیک به حقوق بین‌الملل نشأت‌گرفته از فضای معاهده صلح وستفاليا مورخ ۱۶۴۸ می‌باشد. از این منظر هسته اصلی حقوق بین‌الملل کلاسیک، اصل برابری حاکمیت‌ها و اصل رضایت دولت‌ها در پذیرش تعهدات بین‌المللی می‌باشد. منتقدان مفهوم حقوق نرم در جهت نقد این مفهوم، بر وجود هنجارمندی نسبی در حقوق بین‌الملل تأکید دارند. از نظر این

دسته از حقوقدانان صرف تشخیص این‌که چه چیزی در سطح بین‌المللی حقوق محسوب می‌شود، مسأله پیچیده و سختی است. به بیان ساده‌تر از نظر این دسته از نویسندگان، در ارتباط با آستانه و مرز هنجاری در فضای حقوق و غیر حقوق ابهام وجود دارد (۱۰). منطقاً قائل بودن به وجود هنجارمندی در قواعد حقوق بین‌المللی، منتهی به وجود سلسله مراتب هنجاری در حقوق بین‌الملل می‌شود، یعنی اگر قواعد موجود مختلف و متفاوت (مانند قواعد آمره (۲۹) و تعهدات عام‌الشمول ناشی از آن‌ها و تعهدات ناشی از منشور ملل متحد) هستند در نتیجه باید وزن حقوقی تعهدات ناشی از آن‌ها نیز با یکدیگر متفاوت باشد، پس باید قائل به طبقه‌بندی آن‌ها باشیم. با تعریف طبقه‌بندی قواعد حقوق بین‌المللی، جایی برای قواعد حقوق نرم باقی نمی‌ماند، زیرا دارای تفاوت مبنایی با قواعد حقوق بین‌الملل با وصف الزام‌آوری هستند، پس باید فضای دیگری خارج از حقوق برای آن‌ها قائل شویم.

شاید چنین به نظر برسد که اگر استدلال ما در جهت نفی وجود سلسله مراتب در فضای حقوق بین‌الملل باشد، اشکال منتقدان پاسخ داده می‌شود، حال آنکه به نظر می‌رسد این روش، در واقع پاک‌کردن صورت سؤال باشد، در نتیجه هدف ما در اینجا بحث پیرامون سلسله مراتب قواعد هنجاری حقوق بین‌الملل نیست، بلکه حتی در صورت پذیرش این‌که در میان هنجارهای الزام‌آور حقوق بین‌الملل، سلسله مراتب وجود دارد (۳۳-۳۰): ۱- اولاً این چالش باقی است که جایگاه هر یک از قواعد مختلف حقوق بین‌الملل باید در سلسله مراتب مذکور مشخص شود؛ ۲- ثانیاً در فرض وجود این سلسله مراتب و مشخص شدن طبقات و محتوای طبقات آن، حتی اگر حقوق نرم به عنوان یک مفهوم غیر حقوقی مورد پذیرش قرار گیرد، باز هم مصادیق اسناد و هنجارهای حقوق نرم مانند قطع‌نامه‌ها و اعلامیه‌های دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و به طور کلی بازیگران غیر دولتی نقش بسیار مهمی را در ایجاد و تقویت رویه‌های عرفی و کنوانسیون بین‌المللی الزام‌آور ایفا می‌کنند.

برخی نویسندگان حقوق بین‌الملل در پاسخ، به نقد دیدگاه کلاسیک حقوق بین‌الملل پرداخته‌اند و معتقدند که در فضای فعلی حقوق بین‌الملل باید قائل به یک دیدگاه گسترده‌تر و

پایبندی بر مبنای ملاحظات غیر حقوقی حاصل می‌شود، این دوگانگی باعث پیچیده‌تر شدن پاسخ به این سؤال است که کدام قواعد و استانداردها باید در مقررات کمک‌های بشردوستانه مد نظر قرار گیرند؟

فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر معتقد است که حق بر کمک‌های بشردوستانه، علاوه بر این که در قالب تعهدات الزام‌آور برای دولت‌ها در حقوق بشردوستانه بین‌المللی، حقوق بشر و حقوق پناهندگان وجود دارد، در منابع حقوق نرم و رویه دولت‌ها و سازمان‌های بشردوستانه‌ای که کمک‌های بشردوستانه فراهم می‌کنند نیز وجود دارد (۵). در سال‌های اخیر تعداد زیادی از قطع‌نامه‌ها، اصول راهنما و حداقل استانداردهای غیر الزام‌آور توسط دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های مردم‌نهاد برای بهبود کارایی و ارائه مؤثر کمک‌های بشردوستانه، به تصویب رسیده است، در نتیجه اهمیت متقابل و نسبی تعهدات بشردوستانه‌ای که دولت‌ها بنا به دلایل غیر حقوقی (مانند سیاست‌های داخلی یا بین‌المللی، ارزش‌های بشردوستانه، روابط بین‌المللی و...) به آن‌ها پایبند هستند، باید مورد بررسی قرار گیرد. حقوق نرم مربوط به کمک‌های بشردوستانه می‌تواند از طریق تکمیل تعهدات حقوقی موجود یا تفسیر هنجارها، به عنوان مرحله مهمی در روند تشریح و توسعه هنجارهای بین‌المللی محسوب شود (۱۰). برخی نویسندگان حقوق بین‌الملل این کارکرد حقوق نرم را به عنوان بخشی از یک سیستم بسیار پیچیده بین‌المللی با تنوع در شکل اسناد، ابزارها، و استانداردهای سنجش که دارای یک هدف مشترک، یعنی تنظیم رفتار در چارچوب حکومت قانون هستند، توصیف می‌کنند (۲۹)، در نتیجه حقوق نرم مربوط به کمک‌های بشردوستانه می‌تواند به عنوان یک وسیله برای بازیگران بشردوستانه محسوب شود که اقدامات خود را در موارد فقدان قواعد بین‌المللی الزام‌آور یا چارچوب‌های هنجاری توسعه یافته بین‌المللی، بر مبنای آن انجام دهند. از طریق تجزیه و تحلیل متون معتبر و کلیدی بین‌المللی می‌توانیم به این نتیجه برسیم که برخی استانداردهای هنجاری که نقش اساسی در ارائه کمک‌های بشردوستانه ایفا می‌کنند، قابل احراز هستند، البته با در

منعطف‌تر در مورد فرآیند تشکیل قواعد حقوق بین‌الملل باشیم. در این دیدگاه گسترده و منعطف، نهادهای چندجانبه بین‌المللی مانند سازمان‌های بین‌المللی با صدور اعلامیه‌ها و قطع‌نامه‌ها در واقع، گام اولیه در فرآیند شکل‌گیری هنجارهای بین‌المللی، یعنی مطرح نیازها در سطح بین‌المللی و سنجش میزان استقبال و گرایش جامعه بین‌المللی به نیاز مزبور را برمی‌دارند (۳۴)، در نتیجه به بیان ساده‌تر، یک قاعده از طریق حمایت اکثریت جامعه بین‌المللی می‌تواند جزئی از حقوق بین‌الملل شود و در این راستا، تصمیمات غیر الزام‌آور نهادهای چندجانبه بین‌المللی در قالب قطع‌نامه‌ها و اعلامیه‌ها می‌تواند مثبت وجود حمایت مزبور باشد.

برای بررسی مفهوم کمک‌های بشردوستانه باید به طیف گسترده‌ای از اصول راهنما، حداقل استانداردهایی که توسط بازیگران غیر دولتی توسعه یافته‌اند، متوسل شویم. در این میان، آن دسته از منابع حقوق نرم که می‌توانند به صورت مستقیم بر رویه دولت‌ها تأثیر داشته باشند، دارای ارزش و اعتبار (غیر حقوقی) بیشتری هستند. به نظر می‌رسد همین امر ما را به این نتیجه هدایت کند که در میان منابع مزبور یک سلسله مراتب وجود دارد (۳۵)، البته پرداختن به این مسأله ما را از هدف اصلی پژوهش حاضر دور می‌کند. مع‌الوصف به نظر می‌رسد در فضایی که حقوق بین‌الملل با یک تورم هنجاری (با وزن حقوقی) مختلف مواجه است، هنجارهای غیر حقوقی به حقوق نرم تبدیل می‌شوند، حقوق نرم به حقوق سخت، و برخی هنجارهای معاهده‌ای و عرفی مشخص تبدیل به قواعد آمره می‌شوند (۲۹). این حرکت در میان دسته‌های مختلف هنجاری، در واقع با تقویت رویه بین‌المللی از طریق اسناد و قالب‌های حقوق نرم صورت می‌گیرد.

در توسل به هنجارها و قالب‌های حقوق نرم باید از یک منظر جانب احتیاط را رعایت کرد، نباید از نظر دور داشت که حقوق نرم می‌تواند این واقعیت را نادیده انگارد که پایبندی دولت‌ها و بازیگران غیر دولتی نسبت به استانداردهای غیر حقوقی بر مبنای ملاحظات سیاسی، اخلاقی یا تکنیکی (و نه بر مبنای قواعد حقوقی)، می‌باشد، در نتیجه از یک طرف تعهدات حقوقی پایبندی را می‌طلبند و از طرف دیگر این

نظرگرفتن این موضوع که این استانداردها دارای وزن حقوقی نیستند و در نتیجه با توجه به اجرای داوطلبانه این استانداردها توسط بازیگران بشردوستانه، امکان اجرا و الزام به اجرای آن‌ها در برابر ذی‌نفعان همچنان دارای محدودیت‌هایی است.

## بسط و تشریح اصول بشردوستانه

### ۱- پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به حفاظت افراد در هنگام وقوع بلایا

مجمع عمومی ملل متحد به موجب بند ۱ ماده ۱۳ منشور ملل متحد وظیفه تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل را بر عهده دارد. مجمع عمومی نیز این وظیفه را بر عهده کمیسیون حقوق بین‌الملل قرار داده است، در نتیجه کمیسیون حقوق بین‌الملل به موجب اساس‌نامه آن وظیفه «توسعه مترقیانه» و «تدوین» حقوق بین‌الملل را بر عهده دارد. کمیسیون حقوق بین‌الملل در موضوعات مختلف گزارشگر ویژه انتخاب می‌کند و گزارش‌های وی در نهایت منتهی به تهیه پیش‌نویس مواد در ارتباط با موضوع مورد بحث می‌شود. در گام بعد کمیسیون نتیجه کار را در اختیار کمیته ششم و مجمع عمومی ملل متحد قرار می‌دهد که در گام آخر مجمع حاصل کار کمیسیون را در قالب معاهدات بین‌المللی در کنفرانس‌های بین‌المللی به تصویب دولت‌ها برساند.

کمیسیون از سال ۲۰۰۸ موضوع حفاظت از افراد در هنگام وقوع بلایا را در دستور کار خود قرار داد. آقای آدآردو والنسیا اسپینا به عنوان گزارشگر ویژه کمیسیون در همین راستا، هشت گزارش ارائه کرد که نهایتاً این گزارش‌ها در سال ۲۰۱۶ منتهی به تصویب پیش‌نویس مواد راجع به حفاظت از افراد در هنگام وقوع بلایا شد. هدف ما در اینجا بررسی تفصیلی این پیش‌نویس نیست، زیرا که این مطلب باید به طور مستقل در پژوهشی دیگر مورد بررسی قرار گیرد.

اولین نکته‌ای که در این پیش‌نویس خودنمایی می‌کند، قلمرو کلی آن است. به تعبیری حقوق و تکالیف موضوع مواد پیش‌نویس، نه فقط در ارتباط با دولت‌ها، بلکه در ارتباط با سایر بازیگران غیر دولتی و به تعبیری تمام موجودیت‌هایی که در زمان وقوع بحران‌ها و بلایا به نقش‌آفرینی می‌پردازند، است

(۳۶). در واقع در این پیش‌نویس یک فضای باز ایجاد کرده است تا بتواند به بیان و تشریح اصول مبنایی حاکم بپردازد. در همین راستا ماده ۴ طرح کمیسیون مقرر می‌دارد: «کرامت ذاتی افراد انسانی در مواقع بروز بلایا باید مورد احترام و صیانت قرار گیرد.» کرامت ذاتی انسان در اسناد مختلفی از جمله مقدمه منشور ملل متحد، مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر مورخ ۱۹۴۸، بند ۱ ماده ۱۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱ ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مقدمه کنوانسیون بین‌المللی رفع تمام اشکال تبعیض نژادی، مقدمه کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان، مقدمه کنوانسیون مبارزه شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی یا اهانت‌آمیز، مواد ۲۸، ۳۷، ۳۹ و ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک، بند ۱ ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو برای حفاظت از قربانیان جنگ و نیز مواد ۷۵ و ۸۵ پروتکل اول و ماده ۴ پروتکل دوم، مورد شناسایی قرار گرفته است. کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در تفسیر ماده ۴ ذیل پاراگراف ۲ این اسناد را مورد اشاره قرار داده است. باید دقت داشت که کمیسیون در تفسیر ماده ۴ و کرامت ذاتی انسان به عنوان یک اصل مبنایی، به کنوانسیون‌های جهانی متوسل شده است، این امر ما را به این جهت هدایت می‌کند که ماده ۴ با توجه به جهانی‌بودن کنوانسیون‌های مزبور و پذیرش آن‌ها از سوی اکثریت دول عضو جامعه بین‌المللی، دارای یک عقبه عرفی می‌باشد، در نتیجه به نظر می‌رسد کمیسیون در اینجا نه اقدام به توسعه، بلکه صرفاً به تدوین حقوق بین‌الملل عرفی موجود پرداخته است. نباید از نظر دور داشت که مفهوم کرامت انسانی در برخی اسناد خاص در شرایط بروز بحران‌های طبیعی نیز مورد شناسایی قرار گرفته است، مانند اصول راهنمای فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر برای تسهیلات داخلی و مقررات امداد رسانی بین‌المللی و کمک‌های اولیه در بلایا که مقرر می‌دارد: «بازیگران امداد رسان و کارکنان آن‌ها باید... همیشه کرامت انسانی اشخاص تحت تأثیر بلایا را محترم شمارند» (۳۷). این نکته نیز در پاراگراف سوم تفسیر ماده ۴ کمیسیون مد نظر قرار داده شده است.



بر مبنای اصل کرامت انسانی، کمیسیون در ماده ۵ پیش‌نویس، برای افراد تحت تأثیر بلایا، حق برخورداری و صیانت از حقوق بشر را مورد شناسایی قرار داده است. کمیسیون اصطلاح «حقوق بشر» را به صورت کلی به کار برده است. مطابق با تفسیر کمیسیون مقصود از حقوق بشر تمام مصادیق حقوق بشری می‌باشد که دارای مبنای عرفی یا حسب مورد معاهداتی می‌باشند. در این میان، حق حیات به صورت ویژه در پاراگراف ۶ تفسیر ماده ۵ مورد تأکید کمیسیون قرار گرفته است. دولتی که از اتخاذ اقدامات مقتضی جهت جلوگیری یا واکنش به بلایای طبیعی که منجر به مرگ می‌شود، امتناع کند، در واقع حق حیات موضوع پاراگراف ۱ ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی را نادیده انگاشته است (۳۸).

بر اساس ماده ۶ پیش‌نویس کمیسیون، واکنش به بلایا باید بر اساس اصول انسانیت، بی‌طرفی، انصاف و عدم تبعیض صورت گیرد. مبنای اصلی این اصول بشردوستانه نیز مفهوم «ملاحظات اولیه انسانی» است که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کورفو (۳۹) مورد استناد قرار داد. نکته جالب توجه این است که دیوان مبنای مفهوم «ملاحظات اولیه انسانی» را در واقع از منبعی غیر کنوانسیون و غیر عرفی به دست آورده است. در واقع اصل مورد نظر در فضای دهه چهل میلادی داخل در قلمرو حقوق موضوعه نبوده است (۴۰)، اما با گذشت زمان اصل «ملاحظات اولیه انسانی» به تدریج قوام یافته و جایگاهی عرفی پیدا کرده است و از سوی دیگر اصول انسانیت، بی‌طرفی، انصاف و عدم تبعیض در قالب کنوانسیون‌ها و عرف‌های بشردوستانه از آن مشتق شده‌اند (۳۶)، در نتیجه به نظر می‌رسد که اصول مبنایی بشردوستانه که خود دارای مبنای عرفی و کنوانسیونی می‌باشند، حق بر دریافت کمک‌های بشردوستانه را به رسمیت می‌شناسند. حق بر کمک‌های بشردوستانه را باید از دو جنبه مورد بررسی قرار داد: ۱- یکی از جهت حق اشخاص برای دریافت کمک‌های بشردوستانه (که تا بدین قسمت مورد بحث بود)؛ ۲- دیگری حق بر ارائه کمک‌های بشردوستانه که متوجه دولت‌ها و بازیگران بشردوستانه مانند هلال احمر و صلیب سرخ می‌شود.

کمیسیون نیز در ادامه به جنبه دوم حق بر کمک‌های بشردوستانه پرداخته است. ابتدا به موجب ماده ۷ پیش‌نویس، دولت‌ها موظف هستند که در موارد وقوع بلایا، با یکدیگر، با ملل متحد، صلیب سرخ و هلال احمر، و سایر بازیگران کمک‌رسان، همکاری کنند. این موضع کمیسیون نشان‌دهنده جایگاه ویژه صلیب سرخ و هلال احمر و نیز قطع‌نامه‌ها و به طور کلی اسناد مربوط به این دو نهاد در بحث کمک‌های بشردوستانه می‌باشد. کمیسیون در ارتباط با مصادیق کمک‌های بشردوستانه و نحوه اجرای آن‌ها حکمی ارائه نمی‌کند، بلکه صرفاً اشکال همکاری در واکنش به بلایا را در ماده ۸ مورد اشاره قرار می‌دهد. به موجب ماده مزبور کمک‌های بشردوستانه، هماهنگی اقدامات امدادسانی و ارتباطات بین‌المللی، در دسترس قراردادن پرسنل، تجهیزات و کالاهای امدادی و نیز منابع علمی، پزشکی و فنی، از جمله اشکال همکاری محسوب می‌شوند.

در کنار دولت‌ها و بازیگران بشردوستانه، دولت تحت تأثیر بلایا نیز دارای نقش و وظایف خاص خود می‌باشد. دولت تحت تأثیر، باید از حفاظت از اشخاص و ارائه کمک‌های امدادی، اطمینان حاصل کند. همچنین نقش اصلی را در جهت کنترل، هماهنگی و نظارت بر کمک‌های امدادی ایفا کند (۳۶). همچنین در مواردی که بلایا در مقیاسی فراتر از ظرفیت‌های داخلی برای واکنش به آن ایجاد می‌شود، دولت تحت تأثیر بلایا موظف است که از سایر دولت‌ها، ملل متحد و سایر بازیگران بشردوستانه تقاضای کمک و امدادسانی کند (۳۶). از طرف دیگر دولت‌ها، ملل متحد و سایر بازیگران امدادسان می‌توانند پیشنهاد کمک و امدادسانی به دولت تحت تأثیر بحران دهند (۵۰)، اما نکته مهم این است که برای ارائه کمک‌ها و امدادسانی‌های خارجی نیاز به رضایت دولت تحت تأثیر بلایا می‌باشد، هرچند که دولت مزبور نباید بدون دلیل موجه و به صورت خودسرانه از اعلام رضایت، خودداری کند (۳۶)، همچنین وظیفه حفاظت از پرسنل امدادسان، تجهیزات و کالاها را بر عهده دارد (۳۶).

همانطور که مشاهده می‌شود، در قسمت قبل یعنی حق اشخاص برای دریافت کمک‌های بشردوستانه، کمیسیون در

تفسیر مواد، به قواعد عرفی و کنوانسیون متوسل شده است، در نتیجه سیاق عبارات کمیسیون به نحوی می‌باشد که ما را به اینسو هدایت می‌کند که در واقع کمیسیون به تدوین قواعد موجود پرداخته است، اما در قسمت بعد، یعنی حق بر ارائه کمک‌های بشردوستانه، ادبیات کمیسیون در تفسیر مواد بسیار محتاطانه می‌باشد، زیرا یک عامل بسیار مهم که همان حاکمیت ملی دولت‌ها و اصل عدم مداخله در امور داخلی است، باید جایگاهی ویژه در محاسبات حقوقی کمیسیون داشته باشد. به دلیل همین اصطحکاک میان اصل حاکمیت ملی دولت‌ها و اصل عدم مداخله در امور داخلی با حق دولت‌ها و بازیگران بشردوستانه بر ارائه امداد و کمک‌های بشردوستانه است که اولاً کمیسیون در تفسیر مواد مزبور بیشتر متوسل به اسناد حقوق نرم از جمله قطع‌نامه‌های مجمع عمومی ملل متحد، شورای امنیت، صلیب سرخ و هلال احمر (که ما نیز در ادامه به برخی از آن‌ها خواهیم پرداخت) شده است؛ ثانیاً در موارد خودداری خودسرانه و غیر موجه دولت تحت تأثیر بحران در اعلام رضایت مبنی بر پذیرش امداد و کمک‌های بشردوستانه خارجی، ساز و کاری را پیش‌بینی نکرده است.

## ۲- قطع‌نامه‌های مجمع عمومی ملل متحد

مجمع عمومی ملل متحد مجموعه‌ای از توصیه‌های مربوط به کمک‌های اضطراری بشردوستانه ملل متحد (۴۱) و نیز ایمنی و حفاظت از پرسنل بشردوستانه (۴۲) و گذر از امداد رسانی محض به سمت فعالیت‌های توسعه‌ای متعاقب بحران‌های طبیعی (۴۳) را تهیه کرده است. در میان قطع‌نامه‌هایی که مجمع عمومی ملل متحد صادر کرده است، دو قطع‌نامه ۲۸۱۶ مورخ ۱۹۷۲ (۴۴) و ۴۶/۱۸۲ مورخ ۱۹۹۱ (۴۵) نقش مهمی در بحث کمک‌های بشردوستانه ایفا می‌کنند. قطع‌نامه ۲۸۱۶، دفتر هماهنگ‌کننده امداد رسانی ملل متحد با اختیارات گسترده برای هدایت واکنش ملل متحد به بلایای طبیعی و غیر طبیعی، را تأسیس کرد. مطابق مفاد قطع‌نامه مزبور، همکاری با دولت‌ها، بسیج و هماهنگ کردن فعالیت‌های امداد رسانی سازمان‌های بین‌المللی و غیر دولتی بشردوستانه متعاقب درخواست تحت تأثیر بحران، از جمله صلاحیت‌های این دفتر می‌باشد. همچنین این دفتر اجازه

دریافت کمک‌های ارائه‌شده در عملیات امداد رسانی ملل متحد را دارد و می‌تواند برای ارزیابی و اولویت‌بندی نیازهای امدادی، دولت‌های تحت تأثیر بلایا را یاری رساند. قطع‌نامه ۲۸۱۶ به دولت‌ها توصیه می‌کند که برنامه‌هایی برای وقوع بلایای احتمالی تهیه کنند، مقامات ملی برای امداد رسانی منصوب کنند، ذخایری از منابع اضطراری فراهم کنند، در زمینه امداد رسانی آموزش‌هایی را ارائه کنند و نهایتاً سیستم‌های هشداردهنده ملی را تقویت و بهبود ببخشند. در این قطع‌نامه از دولت‌ها خواسته شده که ترتیبات حقوقی لازم برای تسهیل دریافت کمک و به طور مشخص نیاز به حقوق پرواز و فرود و نیز مزایا و مصونیت‌ها برای کارکنان بشردوستانه، را فراهم آورند. همانطور که مشاهده شد، در این قطع‌نامه نه به اصول کلی و حقوق افراد تحت تأثیر بلایا، بلکه به جزئیات عملیات ارائه کمک‌های بشردوستانه، به ویژه ملاحظات و ترتیبات حقوقی داخلی، پرداخته شده است، اما قطع‌نامه دوم، یعنی قطع‌نامه ۴۶/۱۸۲ در مورد تقویت هماهنگی کمک‌های اضطراری بشردوستانه ملل متحد، به طور سیستماتیک چارچوب بین‌المللی برای کمک‌های بشردوستانه را توسعه داد (۴۶). با در نظر گرفتن چارچوبی که قطع‌نامه ۲۸۱۶ ایجاد کرده بود، قطع‌نامه ۴۶/۱۸۲، مجموعه‌ای از اصول راهنمای مربوط به مبانی و روش‌های ارائه کمک‌های بشردوستانه و همچنین بازنگری و تقویت سیستم ملل متحد برای هماهنگی در واکنش به بلایا را، تعریف کرد. اصول مهمی، از جمله نقش اساسی دولت تحت تأثیر بلایا در هماهنگی و ارائه کمک‌های بشردوستانه در قلمرو آن، لزوم احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی و نیز لزوم وجود رضایت دولت تحت تأثیر بلایا برای پذیرش کمک‌های بشردوستانه بین‌المللی و فراهم آمدن کمک‌های بشردوستانه در سایه اصول انسانیت، بی‌طرفی و انصاف، در چارچوب قطع‌نامه مزبور تبلور پیدا کردند. در واقع می‌توانیم بگوییم که این قطع‌نامه، نقشه دقیق‌تری از حدود مفهومی و عملی کمک‌های بشردوستانه ترسیم کرد. همانطور که مشاهده می‌شود تأکید این قطع‌نامه به مانند قطع‌نامه ۲۸۱۶، بر روی واکنش‌های ملی و بین‌المللی به بلایا می‌باشد و به حقوق افراد تحت تأثیر بلایا نمی‌پردازد. نکته دیگری که در

(۴۹). نتیجه این پیشنهاد تصویب کد رفتاری امدادرسانی جنبش بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر و سازمان‌های غیر دولتی در بلایا شد، البته این سند از نظر حقوقی الزام‌آور نیست، بلکه به عنوان یک راهنما برای مؤسسات بشردوستانه محسوب می‌شود. همانطور که از عنوان این سند مشخص است، مخاطب آن نه دولت‌ها، بلکه جنبش بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر و نیز سازمان‌های غیر دولتی می‌باشد. کد رفتاری از زمان تصویب تا به حال مورد استناد و توجه رویه بین‌المللی سازمان‌ها و دولت‌های مختلف قرار گرفته است. مثال‌های فراوانی در این زمینه وجود دارند، از جمله کمیسیون حقوق بین‌الملل در پیش‌نویس مربوط به حفاظت افراد در هنگام وقوع بلایا این کد رفتاری را در تفسیر مواد ۳ راجع به اصطلاحات پیش‌نویس و ۱۶ راجع به حفاظت از پرسنل، تجهیزات و کالاهای بشردوستانه مورد استناد قرار داده است. همچنین مثال دیگر دپارتمان کمک‌های بشردوستانه کمیسیون اروپا می‌باشد که تأیید کد رفتاری را به عنوان یکی از شروط لازم برای تأمین مالی در نظر گرفته است. مثال دیگر در رویه‌های داخلی کمیته درون سازمانی ارزیابی بلایای بریتانیا می‌باشد که کد رفتاری را به عنوان مبنایی برای ارزیابی واکنش‌های بشردوستانه اعضا قرار داده است (۵۰). برخی تحقیقات نشان داده‌اند که تا سال ۲۰۰۴ میلادی هفتاد درصد از مؤسسات بشردوستانه مواد کد رفتاری را به عنوان اصول الزام‌آور قلمداد کرده‌اند (۴۹). کد رفتاری، که با این تفاسیر می‌توان گفت در رویه بین‌المللی دارای جایگاه ویژه‌ای می‌باشد، در بند اول صراحتاً اعلام می‌کند که: «حق بر دریافت کمک‌های بشردوستانه، و پیشنهاد آن، یک اصل بشردوستانه بنیادین که باید شهروندان همه دولت‌ها از آن متمتع شوند، محسوب می‌شود. به عنوان اعضای جامعه بین‌المللی، ما تعهد خود را برای فراهم‌آوردن کمک‌های بشردوستانه در هر زمان که لازم باشد، به رسمیت می‌شناسیم.» در ادامه، کد رفتاری چند اصل بنیادین دیگر را، از جمله لزوم مستقل بودن از سیاست خارجی دولت‌ها، ارائه کمک بر اساس نیاز، عدم تبعیض، تحویل کمک‌ها فارغ از شرایط سیاسی یا مذهبی. مع‌الوصف علی‌رغم این‌که کد رفتاری از جانب ۵۱۵

اینجا باید به آن اشاره کنیم، این است که قطع‌نامه ۴۶/۱۸۲ علاوه بر تأیید مجدد مسؤولیت اولیه دولت برای ارائه کمک، نقش مهم ملل متحد و سازمان‌های تخصصی وابسته به آن را در عملیات امدادرسانی را مورد تأکید قرار می‌دهد. مع‌الوصف باید گفت که تمرکز مجمع عمومی بر کمک‌های بشردوستانه، به ویژه متعاقب بلایای طبیعی و انسانی، اهمیت جایگاه دولت در ارائه مؤثر کمک‌ها، برجسته می‌کند (۴۷). علی‌رغم این‌که قطع‌نامه‌های مجمع عمومی الزام‌آور نیستند، اما این دسته از اسناد حقوقی نرم به مرور زمان، رویه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را شکل دادند، به حدی که کمیسیون حقوق بین‌الملل در پیش‌نویس مواد مربوط به حفاظت افراد در هنگام وقوع بلایا که در قسمت قبل به بررسی آن پرداختیم، در تفسیر مواد مختلف از جمله مواد مربوط به حق بر ارائه کمک‌های بشردوستانه، به قطع‌نامه‌های مجمع عمومی ملل متحد و رویه دولت‌ها که بر اساس قطع‌نامه‌های مزبور شکل گرفته، اشاره داشته است.

### ۳- کد رفتاری امدادرسانی جنبش بین‌المللی صلیب

#### سرخ و هلال احمر و سازمان‌های غیر دولتی در بلایا

اصول و قواعد امدادرسانی صلیب سرخ و هلال احمر در بلایا، قواعد داخلی عملیات امدادرسانی صلیب سرخ و هلال احمر، در بیست و یکمین کنفرانس بین‌المللی جنبش صلیب سرخ و هلال احمر مورخ ۱۹۶۹ به تصویب رسیدند (۴۸). این قواعد و اصول تا به حال چندین مرتبه مورد اصلاح و بازبینی قرار گرفته‌اند. این اسناد شامل اصول بنیادینی از جمله حق بر پیشنهاد و دریافت کمک‌های بشردوستانه، وظیفه کمک به قربانیان بلایا، و تأکید بر مسؤولیت اولیه مقامات ملی برای پیشگیری و واکنش به بلایا، می‌باشند. البته باید توجه داشت که این اصول و قواعد مربوط به ساز و کارهای داخلی و روابط درون سازمانی جنبش صلیب سرخ و هلال احمر می‌باشد. در پایان دهه هشتاد میلادی در اثر تمرکز و تأکید بازیگران بشردوستانه بر مسؤولیت‌پذیری و مشارکت جمعیت‌های تحت تأثیر بلایا، انجمن صلیب سرخ فرانسوی در ۱۹۹۱ پیشنهادی برای توسعه استانداردهای مشترک مربوط به مؤسسات امدادگران در واکنش به بحران‌های بشردوستانه ارائه داد

سازمان‌های غیر دولتی، جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر از نزدیک به ۷۰ کشور مختلف به امضا رسیده، اما هنوز یک اجماع جهانی برای شناسایی مفاد آن حاصل نشده است. با این حال شناسایی و پذیرش گسترده چنین اسنادی در کنفرانس‌های بین‌المللی که علاوه بر جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر، دولت‌های امضاکننده کنوانسیون‌های ژنو نیز حضور دارند، مبنای قدرتمندی برای در نظر گرفتن وزن قابل توجهی برای اصول اعلام‌شده در اسناد مزبور فراهم می‌کند (۵۱).

#### ۴- اصول راهنمای ملل متحد در مورد جا به جایی داخلی

حقوق اشخاصی که در داخل مرزهای یک دولت، مجبور به جا به جایی شده‌اند، در اصول راهنمای ملل متحد در مورد جا به جایی داخلی (۵۲) بیان شده است. در این سند ۳۰ اصل بیان شده که در وضعیت‌های جا به جایی داخلی اعمال می‌شوند. مهم‌ترین اصول عبارتند از: پیشگیری از وقوع جا به جایی، صیانت از حقوق بنیادین بشری در زمان وقوع جا به جایی، ارائه کمک‌های بشردوستانه به اشخاصی که مجبور به جا به جایی داخلی شده‌اند، راه حل پایدار برای بازگشت، اسکان یا استقرار مجدد. تقاضای اولیه برای تهیه پیش‌نویس اصول راهنما را کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۹۶ به نماینده دبیرکل ملل متحد تسلیم کرد. خواسته اصلی، تهیه چارچوبی (نه حقوقی) (۵۳) مناسب برای حفاظت از اشخاص تحت تأثیر جا به جایی داخلی بود. هدف اصلی اصول راهنما، حمایت از افرادی می‌باشد که در اثر یا برای اجتناب از آثار مخاصمات مسلحانه، وضعیت‌های خشونت‌آمیز فراگیر، نقض حقوق بشر، یا بلایای طبیعی یا انسانی، مجبور به فرار از خانه‌های خود شده‌اند. با در نظر گرفتن تصریح این سند به قربانیان بلایای طبیعی و انسانی، اصول راهنما چارچوبی دقیق برای ارائه کمک به افراد آواره در اثر بلایا فراهم کرده است و به عنوان یک منبع مهم برای حق بر کمک‌های بشردوستانه محسوب می‌شود (۵). اصل ۳(۲) تصریح می‌دارد: «افراد آواره داخلی حق بر تقاضا و دریافت کمک‌های بشردوستانه و حفاظت را از مقامات ملی دارند. آن‌ها نباید به واسطه چنین تقاضایی مورد تعقیب یا مجازات قرار گیرند.» از طرف دیگر

سازمان‌های بشردوستانه و سایر بازیگران نیز حق دارند که خدمات خود را برای حمایت از افراد آواره داخلی پیشنهاد دهند. چنین پیشنهادهایی نباید به صورت خودسرانه از جانب مقامات ملی رد شوند. به تعبیر یکی از تهیه‌کنندگان اصلی پیش‌نویس اصول راهنما، دکترین «حاکمیت به معنای مسؤولیت» (۵۴) فلسفه و مبنای اصول راهنما می‌باشد. در قالب این دکترین، مسؤولیت اولیه برای امنیت و رفاه آوارگان داخلی به عهده حکومت‌های ملی می‌باشد و در صورت عدم توانایی حکومت‌های مزبور، جامعه بین‌المللی متعهد به ارائه کمک‌های بشردوستانه و حفاظت از آوارگان می‌باشد (۵۳).

تردیدی نیست که این اصول راهنما یک سند حقوقی که دارای ویژگی الزام‌آوری باشد، نیست، اما سران دولت‌ها در اجلاس سپتامبر ۲۰۰۵ اصول مندرج در این سند را به عنوان چارچوب بین‌المللی مهم برای حفاظت از آوارگان داخلی، مورد شناسایی قرار دادند که این امر با استقبال مجمع عمومی ملل متحد مواجه شد. شمار دولت‌ها، مؤسسات وابسته به ملل متحد، سازمان‌های منطقه‌ای، سازمان‌های غیر دولتی و سایر بازیگرانی که اصول راهنما را به عنوان استانداردهای بین‌المللی اعمال می‌کنند، رو به افزایش است (۵۵). به اعتقاد برخی نویسندگان، پذیرش گسترده اصول راهنما توسط دولت‌ها ناشی از این واقعیت است که اصول مزبور در واقع، نه ایجاد کننده حقوق جدید، بلکه نسخه اصلاح‌شده و به روز شده حقوق بین‌الملل موجود برای آوارگان داخلی هستند (۵۶). بیش از ۲۰ دولت، قوانین ملی خود را بر اساس اصول راهنما تنظیم و به تصویب رسانده‌اند (۵۷)؛ همین امر نشان‌دهنده این مسأله است که سند اصول راهنما در شکل‌دهی و تقویت رویه بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به خوبی عمل کرده است. اوج این رویه‌سازی را می‌توان در پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به حفاظت افراد در هنگام وقوع بلایا مشاهده کرد. کمیسیون در مواضع مختلف از جمله تبیین کرامت انسانی ذیل پاراگراف ۶ تفسیر ماده ۴، حق افراد تحت تأثیر بلایا بر احترام و صیانت از حقوق بشر ذیل پاراگراف ۲ تفسیر ماده ۵، متوسل به اصول راهنما شده است. نکته‌ای که در اینجا باید به آن توجه کنیم، این است که

در ماده ۱۳ کمیسیون از رضایت دولت تحت تأثیر بلایا برای دریافت کمک‌های بشردوستانه سخن به میان آورده است و بیان داشته است که دولت نباید به صورت غیر موجه و خودسرانه از اعلام رضایت برای دریافت کمک‌های بشردوستانه خودداری کند. جالب اینجاست که کمیسیون در پاراگراف ۵ از تفسیر این ماده، قاعده اجتناب از اعلام رضایت به صورت غیر موجه و خودسرانه را مستند به اصول راهنما می‌کند و سند مزبور را مورد تأیید کمیسیون حقوق بین‌الملل سابق و مجمع عمومی ملل متحد در قالب قطع‌نامه‌های تصویب‌شده با اتفاق آرا اعلام می‌کند. سیاق عبارت‌پردازی کمیسیون حاکی از این است که قاعده مزبور نه یک قاعده جدید، بلکه تدوین قاعده عرفی موجود می‌باشد.

#### ۵- اصول راهنمای فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر برای تسهیل و مقررات داخلی امدادسانی

##### بین‌المللی و کمک به بازسازی اولیه در بلایا

فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ تحقیقاتی را برای شناسایی خلأهای بالقوه موجود در چارچوب حقوقی اعمال امدادسانی در بلایا را در دستور کار خود قرار داد که نتیجه آن انتشار اصول راهنما برای تسهیل و مقررات داخلی امدادسانی بین‌المللی و کمک به بازسازی اولیه در بلایا در سال ۲۰۰۸ شد. دلیل اصلی تدوین اصول راهنما این بود که بسیاری از دولت‌ها مقررات حقوقی مشخصی برای دسترسی و تحویل امدادهای بین‌المللی نداشتند و در عین حال توسعه چارچوب‌های حقوقی بلافاصله پس از وقوع بلایا منتهی به قواعد و مقررات مؤثری نمی‌شود (۳۷)، در نتیجه اصول راهنما به مقامات دولت‌ها برای توسعه چارچوب حقوقی داخلی جهت رویارویی با بلایا کمک می‌کند. تمرکز اصلی این اصول بر واکنش‌های دولت تحت تأثیر بلایا، تبیین مسؤولیت اولیه برای کاهش خطر بلایا، امدادسانی و کمک‌های اولیه، و این مسأله که کمک‌های سایر بازیگران باید با تقاضا و رضایت دولت تحت تأثیر بحران آغاز شود، می‌باشد. یکی از مسائل مهم در این اصول راهنما، تأکید و تضمین این مطلب است که ارائه کمک‌های بشردوستانه به دلایل غیر ضروری با تأخیر یا محدودیت مواجه نشود. در همین راستا

این سند متضمن مقرراتی در ارتباط با اعطای ویزا برای پرسنل امدادسان بین‌المللی، معافیت کالاها و تجهیزات امدادی از عوارض، مالیات و تعرفه‌های گمرکی، کاهش موانع قانونی و اداری برای ورود تجهیزات مخابراتی و پزشکی، و تضمین امکان ورود و عبور وسایل نقلیه درگیر در عملیات بشردوستانه به دولت تحت تأثیر بلایا و دولت‌های همسایه، می‌باشد. اصول راهنما در اولین عبارات، با صراحت کامل بیان می‌کند که: «این اصول راهنما غیر الزام‌آور هستند.» با در نظرگرفتن این نکته که اصول راهنما حاوی مجموعه‌ای از توصیه‌ها در مورد حداقل استانداردهای کیفی و ابزارهای حقوقی بازیگران بشردوستانه است، می‌توان نتیجه گرفت که اصول مزبور به دنبال گسترش حقوق بین‌الملل موجود یا ایجاد حقوق و تعهدات جدید برای دولت‌ها نیستند. اصول راهنما توسط ۱۹۴ دولت و جنبش بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر در سی‌امین کنفرانس صلیب سرخ و هلال احمر مورخ نوامبر ۲۰۰۷ به تصویب رسیده است. در همین راستا بود که مجمع عمومی ملل متحد در قالب قطع‌نامه ۶۵/۲۶۴، دولت‌های عضو و سازمان‌های منطقه‌ای را به تقویت چارچوب‌های عملیاتی و حقوقی خود برای امدادسانی بین‌المللی در بلایا با در نظرگرفتن اصول راهنمای فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر، تشویق کرد (۵۸). مع الوصف تا به امروز در موارد متعدد مفاد اصول راهنما مورد توجه رویه بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته است. در همین راستا کمیسیون حقوق بین‌الملل در پیش‌نویس مربوط به حفاظت افراد در هنگام وقوع بلایا، در موارد متعدد از مفاد اصول راهنمای فدراسیون صلیب سرخ و هلال احمر کمک گرفته است. از جمله این موارد می‌توانیم به: تعریف دولت تحت تأثیر بلایا بر مبنای این اصول راهنما ذیل ماده ۳، تبیین مفهوم کرامت انسانی ذیل پاراگراف ۳ تفسیر ماده ۴، تبیین اصل عدم تبعیض به عنوان یکی از اصول بنیادین بشردوستانه ذیل پاراگراف ۶ تفسیر ماده ۶، تبیین مفهوم گروه‌های آسیب‌پذیر ذیل پاراگراف ۷ تفسیر ماده ۶، وظیفه دولت تحت تأثیر بحران برای تقاضای کمک‌های خارجی در مواردی که مقیاس بلایا بزرگ‌تر از ظرفیت‌های ملی باشد، ذیل

پاراگراف ۵ تفسیر ماده ۱۱ و نهایتاً تعیین مصادیق تسهیلات حقوقی و مقرراتی برای کمک‌های بشردوستانه خارجی بر مبنای سند اصول راهنما ذیل پاراگراف ۳ تفسیر ماده ۱۵، اشاره کنیم.

### ارزیابی کلی اسناد غیر الزام‌آور

به نظر می‌رسد اسناد ارزشمند و پرمحتوایی در ارتباط با کمک‌های بشردوستانه در واکنش به وقوع بلایا وجود دارد. همانطور که مشاهده شد، اسناد حقوق نرم در بحث کمک‌های بشردوستانه به مانند قطعات مختلف یک زنجیره به هم متصل عمل می‌کنند. با نگاهی به روند تصویب اسناد بررسی شده، درمی‌یابیم که ابتدا حق بر کمک‌های بشردوستانه با تکیه بر مفاهیم پایه و مبنایی حقوق بشر مانند کرامت انسانی، در قامت یک اصل کلی وارد ادبیات بازیگران دولتی و غیر دولتی شد. این گام اول در واقع سرآغاز زنجیره اسنادی است که دارای یک نظم منطقی هستند. این اصل کلی برای این‌که بتواند در عالم حقوق به نقش آفرینی بپردازد، نیاز دارد که قواعد مختلف مربوط به عناصر و نحوه عملیاتی‌شدن، از آن مشتق شود. قواعد مزبور در رویه بازیگران غیر دولتی و دولتی متبلور می‌شود. به بیان ساده‌تر این بازیگران غیر دولتی و دولتی هستند که در عمل و با توجه به شرایط و متغیرهای مختلف، اصول کلی را چارچوب‌بندی و محدوده اعمال آن‌ها به صورت دقیق‌تر مشخص می‌کنند؛ در مرحله بعد، نوبت به اسناد دیگری می‌رسد که رویه بازیگران غیر دولتی و دولتی را در قامت قواعد حقوقی مدون معرفی می‌کند. این اسناد علی‌رغم فقدان الزام حقوقی، می‌توانند از جهت ایجاد همگرایی در مواضع بازیگران بین‌المللی، ارزش متقاعدکننده معنوی، اخلاقی، یا سیاسی بیشتر از متون حقوقی الزام‌آور، داشته باشد (۵۹). با توجه به آنچه که بیان شد، به نظر می‌رسد باید نگاهی بازتر به مسأله منابع حقوقی داشته باشیم. در نظر گرفتن منابع جدید، می‌تواند گام مهمی در تبلور و شکل‌گیری قواعد حقوقی محسوب می‌شود (۳۴). در همین راستا می‌توانیم به توصیه‌ها و توافق‌هایی که از طریق کنفرانس یا نشست‌های دیپلماتیک پذیرفته شده‌اند، اشاره کنیم. پذیرش رسمی متون،

در هر شکل و فرمتی، حتی غیر الزام‌آور، توسط نمایندگان دولت‌ها در کنفرانس و نشست‌های بین‌المللی، ارزش سیاسی قوی را برای چنین متونی فراهم می‌کند. همچنین اصول راهنما و حداقل استانداردها ایجاد شده توسط مؤسسات تخصصی و نمایندگان ملل متحد و حامیان گروه‌های خاص مانند فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ نقش مهمی در توسعه هنجارهای بین‌المللی ایفا می‌کنند. نمونه بارز آن، اعتبار اصول راهنما در مورد جا به جایی داخلی مورخ ۱۹۹۸ حداقل در روند تکمیل و استفاده و رویه بعدی دولت‌ها و بازیگران بشردوستانه و کمیسیون حقوق بین‌الملل است. در همین راستا می‌توانیم به پذیرش گسترده و فراگیر اصول راهنما و حداقل استانداردهای توسعه‌یافته توسط بازیگران غیر دولتی در قالب اسناد حقوق نرم اشاره کنیم. رویه بازیگران اصلی غیر دولتی بشردوستانه، برای سایر بازیگران غیر دولتی راحت‌تر رویه‌ساز است، زیرا اصلی‌ترین عنصر در مذاکرات و ایجاد وحدت رویه که حاکمیت ملی است، وجود ندارد. این مسأله به فراگیر شدن و فشار بیشتر به جامعه بین‌المللی دولت‌ها برای همسویی با رویه سیل عظیم بازیگران غیر دولتی منتهی می‌شود. پرواضح است که در یک نگاه کلی‌تر، جامعه بین‌المللی شامل دولت‌ها و بازیگران غیر دولتی است. این بازیگران غیر دولتی در مرحله‌ای از فعالیت با دولت‌ها همکار و هم‌گام می‌شوند. همین مسأله موجب تسری و سرایت رویه بازیگران غیر دولتی به دولت‌ها می‌شود. از طریق این سلسله اسناد حقوق نرم، استانداردهای غیر الزام‌آور بر اساس اسناد قبلی ایجاد شده است، در نتیجه یک مجموعه‌ای از هنجارهای بین‌المللی معتبر، در حالی که به طور هم‌زمان ارزش اسناد اصلی از طریق تأیید مکرر اصول موجود در آن تقویت می‌شود، برای کمک‌های بشردوستانه ایجاد شده است (۶۰). مع الوصف پرواضح است که تأثیر استانداردهای هنجارهای غیر الزام‌آور برای کمک‌های بشردوستانه بر رویه واقعی دولت‌ها و بازیگران بشردوستانه می‌تواند متفاوت باشد. برای مثال اصول راهنمای مؤسسه حقوق بین‌الملل سان ریمو به وضوح توسط دولت‌ها وارد ساختارهای داخلی نشد و در طرح کمیسیون هم تبلوری نداشت، برخلاف سایر اسنادی که از آن‌ها نام بردیم.

## نتیجه‌گیری

محور اصلی استدلال مخالفان و منتقدان مفهوم حقوق نرم، رویکرد دولت‌محوری و اصل حاکمیت ملی دولت‌ها می‌باشد؛ تحت تأثیر همین رویکرد، صدور اجازه دسترسی به امدادهای پزشکی و در یک نگاه کلی‌تر کمک‌های بشردوستانه، تحت اقتدار دولت دریافت‌کننده قرار دارد. اگر دولتی از پذیرش کمک‌های بین‌المللی امتناع کند، همانطور که در طول طوفان نارگیس در میانمار مورخ ۲۰۰۸ رخ داد، جامعه بین‌المللی با دو گزینه مواجه است: ۱- یکی عدم ارائه امدادهای پزشکی و کمک‌های بشردوستانه؛ ۲- دیگری تلاش برای متقاعدکردن دولت تحت تأثیر بحران از طرق دیپلماتیک یا نظامی. در صورتی فقدان شرایط مداخله بشردوستانه قهری برای کمک به قربانیان بلایای طبیعی و انسانی، سازمان‌های بشردوستانه باید درخواست خود را بر مبنای اصول بشردوستانه، به مقامات دولتی ارسال کنند. از طرف دیگر باید دقت داشت که نمی‌توان پذیرفت که حقوق نرم «در چارچوب حقوق بین‌الملل قابل دفاع نیست» یا «استفاده از آن به عنوان یک مفهوم مبهم، بی‌فایده و بی‌پایه، قابل توجیه نیست» (۲۷). از نظر فنی و نیز از لحاظ ارتقا و ترویج یک درک مشترک از اصول اساسی، استانداردهای هنجارمند غیر الزام‌آور یک نقش مهمی در تبلور هنجارهای بین‌المللی جدید در راستای پذیرش هنجارهای مزبور از جانب بازیگران دولتی و غیر دولتی، ایفا می‌کنند. کمیسیون حقوق بین‌الملل موضوع کمک‌های بشردوستانه در زمان وقوع بلایای طبیعی و انسانی را در دستور کار خود قرار داد و ماحصل تلاش‌های کمیسیون، تصویب پیش‌نویس راجع به حفاظت افراد در هنگام وقوع بلایا شد. در تحلیل نتیجه کار کمیسیون باید به دو نکته توجه داشت: ۱- اول این‌که کمیسیون در تهیه پیش‌نویس کنوانسیون‌های بین‌المللی در گام اول به دنبال ایفای نقش اصلی خود، یعنی تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل می‌باشد. در سال‌های اخیر کمیسیون تغییر جالبی در روند فعالیت خود ایجاد کرده است. بدین‌صورت که پس از تدوین پیش‌نویس کنوانسیون‌های بین‌المللی، از ارسال آن‌ها به کمیته ششم مجمع عمومی ملل متحد امتناع می‌کند. مطابق روند معمول،

کمیسیون پس از تهیه پیش‌نویس کنوانسیون‌های بین‌المللی، پیش‌نویس‌های مزبور را به کمیته ششم مجمع عمومی ملل متحد ارسال می‌کند تا از این طریق روند تصویب پیش‌نویس‌ها از جانب دولت‌ها و تولد کنوانسیون‌های بین‌المللی طی شود، اما در عمل نتیجه کار فنی و زمان‌بر کمیسیون در فرآیند تصویب توسط کمیته ششم و دولت‌ها، گرفتار بازی منافع، سیاست و قدرت بود. به تعبیری پیش‌نویس‌ها یا با تغییراتی که دولت‌ها در محتوای آن‌ها اعمال می‌کردند از مبنا و هدف اصلی خود دور می‌شدند و یا بدون تغییر به تصویب می‌رسیدند، اما در این حالت دولت‌ها به کنوانسیون‌های مزبور ملحق نمی‌شدند و در نهایت، نتیجه کار کمیسیون، کنوانسیون‌های عقیم بود. با توجه به این مسأله بود که کمیسیون رویه جدید (یعنی عدم ارسال پیش‌نویس مواد کنوانسیون به کمیته ششم) را ایجاد کرد. با این کار، کمیسیون در واقع واکنش و میزان استقبال جامعه بین‌المللی به پیش‌نویس مواد کنوانسیون‌ها را رصد می‌کند. در بسیاری از موارد دولت‌ها در دعاوی خود نزد مراجع بین‌المللی، به طرح‌های پیش‌نویس مواد کمیسیون در موضوعات مختلف استناد می‌کنند و از این طریق کمیسیون با کمک یک ابزار غیر الزام‌آور اقدام به رویه‌سازی در روابط بین‌المللی می‌کند؛ نکته دوم در ارتباط با نقش اسناد حقوق نرم در تهیه طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به حفاظت افراد در هنگام وقوع بلایا می‌باشد. همانطور که مشاهده شد، محتوای مجموعه‌ای از اسناد حقوق نرم، با یک نظم منطقی در ماحصل کار کمیسیون متبلور شده است. مسأله جالب توجه اینجاست که کمیسیون از اسناد حقوق نرم کمک گرفته است تا یک مجموعه منظم از قواعد حقوقی قابل اعمال را تهیه و تدوین کند. حال نتیجه کار کمیسیون که از طریق اسناد حقوق نرم به دست آمده است نیز در واقع یک سند حقوق نرم تلقی می‌شود، زیرا همانطور که می‌دانیم طرح‌های کمیسیون به خودی خود هیچ‌گونه الزام‌آوری برای دولت‌ها ندارند. در نهایت ساز و کار ایجاد رویه بین‌المللی از طریق طرح پیش‌نویس مواد (و به طور کلی اسناد حقوق نرم) دقیقاً همان فرمول‌بندی حقوق نرم می‌باشد. به بیان ساده‌تر از طریق اسناد حقوق نرم

«نیاز» به وجود اصل حق بر دریافت کمک‌های بشردوستانه در روابط بین‌المللی مطرح شد، پس از آن اصل حق دریافت کمک‌های بشردوستانه متولد شد و در قالب اسناد متعدد (که با بررسی محتوای آن‌ها مشاهده شد که دارای نظم منطقی می‌باشند) اصل مورد نظر بسط و گسترش پیدا کرد و نهایتاً از طریق یک سند دیگر حقوق نرم، یعنی طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل، تلاشی برای رویه‌سازی و انتقال حق بر دریافت کمک‌های بشردوستانه در زمان وقوع بلایای طبیعی و انسانی از فضای حقوق نرم به فضای حقوق سخت آغاز شده است.



## References

1. Sousa S. *Toward a New Legal Common Sense: Law, Globalization and Emancipation*. Cambridge: Cambridge University Press; 2020. p.490-495.
2. Jürgen F. *International Environmental soft law: The Functions and Limits of Nonbinding Instruments in International Environmental Governance and Law*. New York: Springer; 2013. p.216.
3. Mackintosh K. *The Principles of Humanitarian Action in International Humanitarian Law*. Geneva: Overseas Development Institute; 2000. p.1-4.
4. Francioni F, Ronzitti N. *War by Contract: Human Rights, Humanitarian Law and Private Contractors*. Oxford: Oxford University Press; 2011. p.209, 427.
5. Fisher D. *The Right to Humanitarian Assistance*. In: Kälin W. *Incorporating the Guiding Principles on Internal Displacement into Domestic Law: Issues and Challenges*. New York: ASIL & Brookings-Bern Project on Internal Displacement; 2010. p.48, 51-52.
6. Dupuy A. *Declaratory Law and Programmatic Law: From Revolutionary Custom to Soft Law*. In: R. Akkerman R. *Declarations of Principles: A Quest for Universal Peace*. London: Springer; 1977. p.252.
7. McNair A. *The law of treaties*. Oxford: Clarendon Press; 1961. p.345-489.
8. Klabbbers J. *The Redundancy of Soft Law*. *Nordic Journal of International Law* 1996; 65(32): 173-180.
9. Aspremont J. *Softness in International Law: A Self-Serving Quest for New Legal Materials*. *European Journal of Law* 2008; 19(5): 1075-1093.
10. Weil P. *Towards Relative Normativity in International Law*. *The American Journal of International Law* 1983; 77(3): 414-420.
11. Brownlie I. *Principles of public international law*. Oxford: Oxford University Press; 2003. p.3-4.
12. Meyer T. *Soft Law as Delegation*. *Fordham International Law Journal* 2008; 32(3): 910-915.
13. Amato A. *Softness in International Law: A Self-Serving Quest for New Legal Materials: A Reply to Jean d'Aspremont*. *The European Journal of International Law* 2009; 20(3): 897-910
14. Aspremont J. *Softness in International Law: A Self-Serving Quest for New Legal Materials: A Rejoinder to Tony D'Amato*. *The European Journal of International Law* 2009; 20(3): 911-917.
15. Klabbbers J. *The Undesirability of Soft Law*. *Nordic Journal of International Law* 1998; 67(1): 381-390.
16. Klabbbers J. *The Concept of Treaty in International Law*. Hague: Kluwer Law International; 1998. p.157.
17. Senden L. *Soft Law in European Community Law*. London: Hart publishing; 2004. p.112-113.
18. Rosenne S. *Developments in the Law of Treaties 1945-1986*. Cambridge: Cambridge University Press; 1989. p.104, 107.
19. Aust A. *Modern Treaty Law and Practice*. Cambridge: Cambridge University Press; 2007. p.21.
20. *Judgement (Merits), Corfu Channel Case (UK v. Albania)*, ICJ. 1949. p.22.
21. *Advisory Opinion, Legal Consequences for States for the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970)*, ICJ. 1971. p.50.
22. *Questions relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal)*, Judgment, I.C.J. Reports 2012. para.99.
23. Damrosch L. *International Law: Cases and Materials*. New York: West Academic; 2014. p.142-158.
24. Cassesse A. *International Law*. Oxford: Oxford University Press; 2001. p.160-161.
25. Fritz M. *Non-binding Agreement*. In: Bernhardt R. *Encyclopedia of Public International Law*. Berlin: Max-Planck Institution; 1991. Vol.7 p.354-355, 357.
26. Hartmut H. *A Fresh look at Soft Law*. *European Journal of International Law* 1990; 10(3): 499-504.
27. Blutman L. *In The Trap of a Legal Metaphor: International Soft Law*. *International and Comparative Law Quarterly* 2010; 59(1): 607-608.
28. Thürer D. *Soft Law*. *The Max Planck Encyclopedia of Public International Law* 2013; 9(1): 269-277.
29. Shelton D. *Normative Hierarchy in International Law*. *The American Journal of International Law* 2006; 100(2): 291-322.
30. Meron T. *On a Hierarchy of International Human Rights*. *The American Journal of International Law* 1986; 80(90): 1-23.
31. Fastenrath U. *Relative Normativity in International Law*. *European Journal of International Law* 1993; 4(3): 305-340.
32. Koskeniemi M. *Hierarchy in International Law: A Sketch*. *European Journal of International Law* 1997; 8(4): 566-582.

33. Paulus A, Weiler H. The Structure of Change in International Law or Is There a Hierarchy of Norms in International Law?. *European Journal of International Law* 1997; 8(4): 545-565.
34. Charney J. Universal International Law. *The American Journal of International Law* 1993; 87(4): 544-550.
35. Kälin W. How Hard is Soft Law? The Guiding Principles on Internal Displacement and the Need for a Normative Framework. Hague: Ralph Bunche Institute for International Studies; 2001. p.8.
36. International Law Commission, Draft articles on the protection of persons in the event of disasters, with commentaries. 2016. Commentary of article.1, 6, 10, 11, 12, 13, 16.
37. International Federation of Red Cross and Red Crescent Societies, Guidelines for the Domestic Facilitation and Regulation of International Disaster Relief and Initial Recovery Assistance. Geneva: IFRCRC; 2007. Guideline.4 para.1.
38. The Inter-Agency Standing Committee Operational Guidelines on Human Rights and Natural Disasters, A/HRC/4/38/Add.1, annex. 2006.
39. Corfu Channel case, Judgment of April 9th, I.C.J. Reports 1949. p.22.
40. Lefkowitz D. The Sources of International Law: Some Philosophical Reflections. In: Besson S, Tasioulas J. *The Philosophy of International Law*. Oxford: Oxford University Press; 2010. p.189-190.
41. Strengthening of the Coordination of Humanitarian Emergency Assistance of the United Nations, General Assembly Res.65/133. 2011.
42. Safety and Security of Humanitarian Personnel and Protection of United Nations Personnel, General Assembly Res.65/132. 2011.
43. International Cooperation on Humanitarian Assistance in the Field of Natural Disasters, from Relief to Development, General Assembly Res. 65/264. 2011.
44. Assistance in Cases of Natural Disaster and other Disaster Situations, GA Res.2816 (XXVI). 1972.
45. Strengthening of the Coordination of Humanitarian Emergency Assistance of the United Nations, General Assembly Res.46/182. 1991.
46. Tsui E. Analysis of Normative Developments in Humanitarian Resolutions since the Adoption of 46/182. Geneva: UNOCHA; 2009. p.6.
47. Katoch A. International Natural Disaster Response and the United Nations. In: International Federation of Red Cross and Red Crescent Societies. *International Disaster Response Laws, Principles and Practice: reflections, prospects and challenges*. Geneva: IFRC; 2003. p.12-29.
48. Resolutions adopted by the 21st International Conference of the Red Cross, Resolution XXIV: Principles and Rules for Red Cross Disaster Relief, 104 IRRC 625-631. 1969.
49. Hilhorst D. A Living Document? The Code of Conduct of the Red Cross and Red Crescent Movement and NGOs in Disaster Relief, Research paper produced for the conference Ten Years Code of Conduct: Principles in Practice. Washington: Wageningen University Press; 2004. p.5.
50. Hilhorst D. Dead or Alive? Ten Years of the Code of Conduct for Disaster Relief. *Humanitarian Exchange Magazine* 2005; 29(1): 12-19.
51. Bugnion F. Red Cross Law. *International Review of the Red Cross* 1995; 308(1): 492-500.
52. United Nations, Commission on Human Rights, the Guiding Principles on Internal Displacement, UN Doc. E/CN.4/1998/53/Add.2. 1998.
53. Cohen R. The Guiding Principles on Internal Displacement: An Innovation in International Standard Setting. *Global Governance* 2004; 10(1): 459-470.
54. Rothchild D. Sovereignty as Responsibility: Conflict Management in Africa. London: Brookings Institution Press; 1996. p.7-31.
55. Kälin W. Guiding Principles on Internal Displacement: Annotations, the American Society of International Law and the Brookings Institution. University of Bern Project on Internal Displacement. *Studies in Transnational Legal Policy* 2008; 38(1): 7-10.
56. Entwisle H. Tracing Cascades: The Normative Development of the U.N. Guiding Principles on Internal Displacement. *Georgetown Immigration Law Journal* 2005; 19(1): 384-396.
57. Cohen R. Reconciling R2P with IDP Protection. Geneva: Brookings-LSE Project on Internal Displacement; 2010. p.8.
58. International Cooperation on Humanitarian Assistance in the Field of Natural Disasters, from Relief to Development, GA Res.65/264. 2011.
59. Beyranvand F. The procedure of national courts in confronting with international soft law with emphasis

---

on international humanitarian law. Ph.D. Dissertation. Tehran: Islamic Azad University; 2020. p.325. [Persian]

60. Caron D. Contemporary International Law Issues in the Asia Pacific: The Importance and Challenge of the Difference between Principles and Rules in International Law. International Law Association Asia-Pacific Regional Conference Contemporary International Law Issues in the Asia Pacific: Opportunities and Challenges. 2011. Available at: [http://www.works.bepress.com/david\\_caron/118/](http://www.works.bepress.com/david_caron/118/).